

پیش‌خوان

نظری بر اثر پژوهشی – روابی «ارح‌نامه آیت‌الله سیدجعفر سیدان» «مشعل معرفت» در آیین‌ه توصیف‌ها

■ **محمد‌رضا کاتبی**



شاخص مکتب معارفی خراسان است که تاکنون آثار فراوانی در تبیین معارف این مکتب به علاقه‌مندان عرضه داشته است. در اثر اخیر اطلاع یافتم یادنامه‌ای بر مضمون و در دوجلد برای این بزرگ تدوین و نشر یافته است. این اثر در صدر خود دیباچه‌ای دارد که بهترین معرف برای آن است:

«این مجموعه که به همت گروه بزرگی از شخصیت‌های علمی، محققان و متخصصان در عرصه‌های گوناگون علمی و فنی شکل گرفت، تنها به نیت بازخوانی یک تجربه علمی و معنوی و عرضه آن به جویندگان راه سعادت و معنویت بوده است. استاد علامه آیت‌الله سیدجعفر سیدان که همه این نوشتارها به پاس تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان در خدمت به دین و فرهنگ این سرزمین نگاشته شده، یکی از اسوه‌ها و الگوهای عملی در مسیر پرپیچ و خم تفکر و زندگی در روزگار ما است.

او که از متن همین جامعه و از دل مدرسه‌های ساده و کوچک حوزه برخاست، در بهره‌مندی از میراث وحی و آموزگاران حکمت و حیاتی‌چنان سخت کوشید که در طول حیات بلند خویش–که تا ظهور مولایش پاینده باد- به عصری پویا و پر تحرک در پیشبرد فرهنگ دینی و اصلاح اخلاق و ادب بدل شد. او که از اسباب فرهیختگی و بزرگی هیچ کم نداشت، فروتنانه همه داشته‌های خویش را در کسف اخلاص نهاد و برای دفاع از آرمان

بی‌تردید هر تغییر اجتماعی و سیاسی پیش‌زمینه‌هایی دارد که بدون آن نمی‌توان فرآیندهای پسینی را تحلیل کرد. رویداد مشروطیت ایران نیز پژوهش‌هایی در دوران سلطنت ناصری داشت که بدون خوانشی صحیح و تحلیلی، نمی‌توان تصویری درست از آن به دست داد.

نهضت تنباکو، تیری بر پیکره نظم کهن یکی از مهم‌ترین حوادثی که چون تیری بر پیکره نظم کهن فرود آمد، نهضت معروف تنباکو بود. ناصرالدین شاه در سومین گشت و گذار اروپایی خود در لندن با شرکت انگلیسی «تالبوت» در خصوص اعطای امتیاز انحصاری خرید و فروش تنباکوی ایران در بازار داخلی و بین‌المللی به توافق می‌رسد. امتیازی نیم سده‌ای در که به ۱۵۰هزار لیره در سال، آن هم در مورد موضوعی که به نوعی اغلب ایرانیان را در گیر خود می‌کرد؛ البته در این میان نمی‌توان اثر روشنگرانه‌ی مخالفان حکومت، همچون سیدجمال غافل ماند که از یکسو در مخالفت با شاه و اعطاکندنگان امتیاز چیزی نمی‌گذاشت و از سوی دیگر در تحریض و تشویق علما؛ جمله میرزای شیرازی بر مقابله با حکومت، مجدانه می‌کوشید. باین حال، نقش اصلی را مردمانی ایفا کردند که از کوچه و محله صخره‌های بزرگی را به پرنگاه کشاند، او آرام و استوار راه خویش را ادامه داد و به دیگران درس شکیبایی و شرافت آموخت. آری، اینها و جز اینها که در این ارج‌نامه تنها به گوشه‌شاهی از آن اشاره رفته است، از او شخصیتی ساخته که برای هر راه‌جوی جوان، سرمشقی نیکو و برای هر راهروی راستین، عبرتی در خور و بهر هر دانشمند و دیندار، حجتی استوار است. در پیغ که روزگار پر غوغای ما چنان فریبنده و فراموشگر است که قدر گوهرهای تازه خویش را نمی‌شناسد و به جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنده و پویا، داستان دیوانستان خویش را به حافظه تاریخ می‌سپارد.

این ارج‌نامه و بر نامه بزرگداشت آیت‌الله سیدان با اشارتی از سوی استاد دانشمند و فرزانه جناب محمدرضا حکیمی آغاز و گام‌های نخستین آن به همت مؤسسه امام صادق(ع) میدید بی‌ریزی شد. با استقبال دور از انتظار فرهیختگان و پژوهشگران از این اقدام مبارک و نیز ستریگی و حجم فزون کار، عملاً دبیر‌خانه به مؤسسه معارف اهل بیت(ع) در قم منتقل شد. جز تدوین مجموعه مقالات حاضر، چند پروژه هم‌زمان در دستور کار قرار گرفت؛ تهیه یادنامه‌ای از حیات و اندیشه‌های استاد سیدان، تولید یک برنامه مستند تصویری از خاطرات ایشان و گزارش‌های دیگران و نیز تولید یک سلسله برنامه گفت‌ووی علمی و معرفتی. البته با فراهم آمدن همه این مقامات هنوز هم جناب استاد سیدان با برگزاری بزرگداشت مخالفت می‌ورزند و بزرگوارانه از گفت‌وگو در این خصوص سر باز می‌زنند. گذشته از اساتید و محققان ارجمندی که این ارج‌نامه را با نگاهشاه خویش زینت بخشیدند، جا دارد سیاستگران استاد علامه حکیمی باشیم که با ارانه این ایده و راهنمایی‌های خود، اسباب تولید این اثر را فراهم ساختند.»

■ **نیما احمدپور**

در تاریخ معاصر ایران نخستین علایم تغییر ساختار سیاسی، در دوران سلطنت ناصری مشاهده می‌شود. همین تغییرات نیز زمینه را برای انقلاب مشروطیت ایران فراهم می‌کند. دو مقالی که پیش‌روی شماست، این تغییرات پیشامشروطه مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

بی‌تردید هر تغییر اجتماعی و سیاسی پیش‌زمینه‌هایی دارد که بدون آن نمی‌توان فرآیندهای پسینی را تحلیل کرد. رویداد مشروطیت ایران نیز پژوهش‌هایی در دوران سلطنت ناصری داشت که بدون خوانشی صحیح و تحلیلی، نمی‌توان تصویری درست از آن به دست داد.

■ **نهضت تنباکو، تیری بر پیکره نظم کهن**

یکی از مهم‌ترین حوادثی که چون تیری بر پیکره نظم کهن فرود آمد، نهضت معروف تنباکو بود. ناصرالدین شاه در سومین گشت و گذار اروپایی خود در لندن با شرکت انگلیسی «تالبوت» در خصوص اعطای امتیاز انحصاری خرید و فروش تنباکوی ایران در بازار داخلی و بین‌المللی به توافق می‌رسد. امتیازی نیم سده‌ای در که به ۱۵۰هزار لیره در سال، آن هم در مورد موضوعی که به نوعی اغلب ایرانیان را در گیر خود می‌کرد؛ البته در این میان نمی‌توان اثر روشنگرانه‌ی مخالفان حکومت، همچون سیدجمال غافل ماند که از یکسو در مخالفت با شاه و اعطاکندنگان امتیاز چیزی نمی‌گذاشت و از سوی دیگر در تحریض و تشویق علما؛ جمله میرزای شیرازی بر مقابله با حکومت، مجدانه می‌کوشید. باین حال، نقش اصلی را مردمانی ایفا کردند که از کوچه و محله صخره‌های بزرگی را به پرنگاه کشاند، او آرام و استوار راه خویش را ادامه داد و به دیگران درس شکیبایی و شرافت آموخت. آری، اینها و جز اینها که در این ارج‌نامه تنها به گوشه‌شاهی از آن اشاره رفته است، از او شخصیتی ساخته که برای هر راه‌جوی جوان، سرمشقی نیکو و برای هر راهروی راستین، عبرتی در خور و بهر هر دانشمند و دیندار، حجتی استوار است. در پیغ که روزگار پر غوغای ما چنان فریبنده و فراموشگر است که قدر گوهرهای تازه خویش را نمی‌شناسد و به جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنده و پویا، داستان دیوانستان خویش را به حافظه تاریخ می‌سپارد.

این ارج‌نامه و بر نامه بزرگداشت آیت‌الله سیدان با اشارتی از سوی استاد دانشمند و فرزانه جناب محمدرضا حکیمی آغاز و گام‌های نخستین آن به همت مؤسسه امام صادق(ع) میدید بی‌ریزی شد. با استقبال دور از انتظار فرهیختگان و پژوهشگران از این اقدام مبارک و نیز ستریگی و حجم فزون کار، عملاً دبیر‌خانه به مؤسسه معارف اهل بیت(ع) در قم منتقل شد. جز تدوین مجموعه مقالات حاضر، چند پروژه هم‌زمان در دستور کار قرار گرفت؛ تهیه یادنامه‌ای از حیات و اندیشه‌های استاد سیدان، تولید یک برنامه مستند تصویری از خاطرات ایشان و گزارش‌های دیگران و نیز تولید یک سلسله برنامه گفت‌ووی علمی و معرفتی. البته با فراهم آمدن همه این مقامات هنوز هم جناب استاد سیدان با برگزاری بزرگداشت مخالفت می‌ورزند و بزرگوارانه از گفت‌وگو در این خصوص سر باز می‌زنند. گذشته از اساتید و محققان ارجمندی که این ارج‌نامه را با نگاهشاه خویش زینت بخشیدند، جا دارد سیاستگران استاد علامه حکیمی باشیم که با ارانه این ایده و راهنمایی‌های خود، اسباب تولید این اثر را فراهم ساختند.»

روشنفکران در چند ویژگی قابل توجه با یکدیگر مشترک بودند. نخست آن که اغلب در بخشی از زندگی خویش یادنیایی پیشرفته در تماس بودند. دوم آن که از شروط حکومت استبدادی رادر کنار دیگر عوامل موجود، بسیار بها می‌دادند. سوم آن که در مقام قیاس میان وضعیت موجود مطلوب، به شکافی عمیق می‌رسیدند که جز با دگرگونی‌های بنیادین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، التیام نمی‌یافت

تاریخ

کفت‌و‌گو ۸۸۴۹۴۳۷



مروری بر آغازین علایم تغییر ساختار سیاسی در ساحت تاریخ معاصر ایران

چالش مصلحان دینی و روشنفکران سکولار در جهت‌دهی تغییر

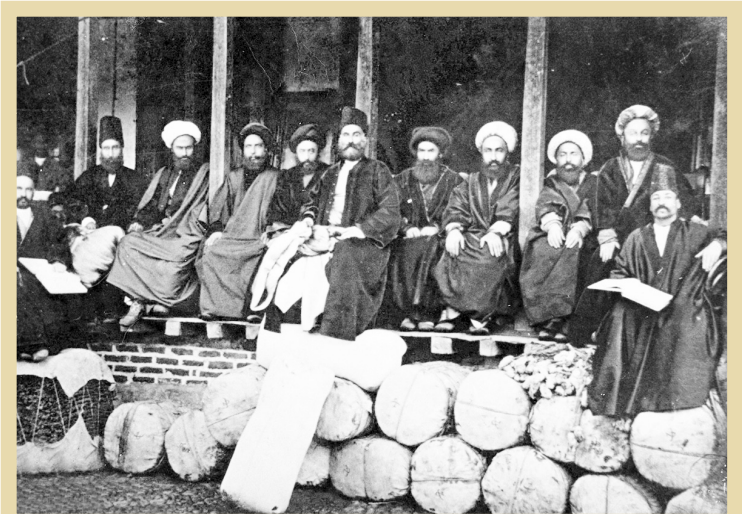
و دست پنهان انگلیسی‌ها را در آن دخیل دانست و در تأیید آن همداسناتانی را نیز یافت، اینک سیاستی جز صبر و سکوت و اندیشه برای یافتن راه جبران این خسارات مالی و حیثیتی در آینده پیش‌روی نمی‌گذاشت، اما ضربه‌گاه دوم بر پیکر نظام سیاسی و به شکلی، خاص رستپژ شخص شاه بود. او که نقطه هم پیوستی تمامی تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بود، برای نخستین بار طعم ناخوشایند نارضایتی عمومی را چشید و این برای گوش‌هایی که شاید هرگز عادت به شنیدن واژگانی کمتر از اظهار عبودیت و بندگی از سوی رعیت رانداشت، بسیار سنگین می‌آمد.

در این میان هم شاه در یافت که مردم، واقعیتی از واقعیت‌های حکومت هستند و هم مردم دریافته بودند که شاه، واقعیتی جز آنچه را نمی‌نماید، داراست و ایران به آوردگاه می‌سابقه‌ترین ایستادگی مردم در این مقابل خواسته‌های یک قدرت خارجی و شوکت یک پادشاه تبدیل شده بود، اما آنچه بعد از نهضت تنباکو اتفاق افتاد نیز خالی از اهمیت نیست.

■ **آشنایی ایرانیان با دنیای خارج، محرک تغییر**

البته در کنار نهضت تنباکو و در پیش و پس آن عوامل دیگری هم وجود داشتند که در هم گسیختگی نظم مملکت و هم‌زیستی با آنند که در در این مقابل ماجرای بر خورد ایرانیان با دنیای خارج و خارجیان از جمله مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. برخورد ایرانیان با افرادی از آن سوی آب‌ها اگر چه از زمان صفویه و با حضور برادران «شرلی» در بارگاه شاه‌عباس، چهره‌ای جدی به خود می‌گیرد، اما از زمان قاجار به و به طور مشخص در دوره فتحعلی‌شاه است که حضور خارجیان در ایران و ایرانیان در خارج و تجربه‌هایی جدی از ملاقات و هم‌زیستی با آنان تست می‌دهد. در این دوره، وقوع دو حادثه مهم، ایرانیان را از نزدیک با اندیشه و عمل غربی‌ها آشنا ساخت. نخستین مورد، شکست ایران در جنگ با روسیه و تورم بغض حقارت ناشی از این شکست در کنار دلشوره‌های ناخوشایند از احتمال تکرار این حوادث در آینده و لزوم کسب مهارت‌هایی متناسب با آنچه روس‌ها به آن دست یافته‌اند، است که ایرانیان را به سوی دولت فرانسه و سپس دولت انگلستان رهنمون ساخت.

اما دومین برخورد نزدیک ایرانیان با دنیای خارج به شکلی به‌طور معمول و مستمر، به‌اعزام محصل به اروپا باز می‌گردد، اگر چه این کار در زمان صفویه نیز سابقه داشت، اما در دوره قاجار فرستادن عده‌ای محصل، کار گسر و صنعت‌آموز به کشورهای خارجی برای یادگیری علوم، فنون، صنعت و زبان آنها زمینه‌ساز



ناصرالدین‌شاه قاجار در کنار تنی چند از پوزاکیان و اطرلیان

در یک سوزا جریان تحول خواهی در دوره قاجار، گروهی از نواندیشان و اصلاح‌گران قرار داشتند که ضمن مخالفت با استبداد داخلی و استعمار خارجی، راه‌حل را نه در تبعیت از قوانین و قواعد غربی که در نوعی بازگشت به سنت اصیل دینی می‌دیدند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی از جمله افرادی است که در این گروه جای می‌گیرد

و فرانسوی، مانند «پرکنیز» و «اوژن بوره» در شهرهای ارومیه(۱۲۵۵ق) و تبریز(۱۲۵۵ق) اقدام به گشایش‌مدارسی نمودند، اما شاید مهم‌ترین مدرسه‌ای که در این زمان افتتاح گردید، مدرسه دارالفنون در عهدناصری است. این مدرسه که ۲۰ سال پیش از تأسیس دارالفنون توکیو و سه سال پس از تأسیس دارالفنون استانبول افتتاح گردید، ریشه در اندیشه‌های مردی ترقی‌خواه به نام امیرکبیر داشت. هدف امیر از ایجاد چنین مدرسه‌ای در کشور آن بود که برای برطرف ساختن نیازهای نظامی و صنعتی، باید محصلان را در جایی جمع کرد و بیا بهره‌گیری از معلمان و استادان خارجی و داخلی، آنان را با مسائل جدید آشنا ساخت. مدرسه دارالفنون دارای متعلقاتی مانند کارخانه شمع‌سازی، آزمایشگاه فیزیک، آزمایشگاه شیمی، آزمایشگاه داروسازی و چاپخانه مخصوص مدرسه بود و کتابخانه‌ای نیز داشت که به تدریج شاگردان دارالفنون را تا حد زیادی در آشنایی با مسائل یاری می‌رساند. در این مدرسه، علاوه بر معلمان ایرانی از حضور معلمان خارجی از جمله ایتالیایی‌ها، اتریشی‌ها و فرانسوی‌ها بهره می‌گرفتند. مدرسه دارالفنون به رغم تمام بالا، پایین شدن‌ها، مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها به کار خود ادامه داد و یکی از زمینه‌های جدی آشنایی ایرانیان با علوم و معارف دنیای بیرون را فراهم آورد و بدین ترتیب، خود به پایه‌ای دیگر برای مقابله آتی با نظم مستقر و قدیم تبدیل شد.

■ **روزنامه‌های نوظهور، زمینه‌سازان تغییر**
در کنار آنچه گفته شد، تأسیس روزنامه از دیگر مواردی است که از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. برخلاف موارد پیشین که به‌طور عمومی زمینه تماس گروه یا گروه‌های خاص از ایرانیان با خارجیان را فراهم می‌آورد، ایجاد روزنامه، زمینه‌ها برای بسط و گسترش اطلاعات و اخبار در سطح عامه بود. از این رهگذر، نخستین روزنامه ایرانی به‌دست میرزا صالح شیرازی، یکی از محصلان سابق اعزام شده به خارج شد و دومین روزنامه به‌وسیله مبلغان آمریکایی در سال ۱۲۶۷ ق در ارومیه به چاپ رسید که نام «ژاژا» بود، یعنی شمعان نورانی را بر خود نقش داد، اما مهم‌ترین روزنامه ایرانی، روزنامه «قابع‌اتفاقیه» بود که در سال ۱۲۶۷ به فرمان امیرکبیر انتشار یافت.

مقالاتی که از جراید خارجی برای چاپ در روزنامه وقایع‌اتفاقیه ترجمه می‌شد، مواردی مانند بحث در اوضاع اجتماعی و مجالس مقننه ممالک اروپایی «مشورخانه» تحقیقات علما راجع به سلسله تمدن در امریکا، احداث راه‌آهن، کارخانجات منیجسک، اختراع بالن، طیاره و استخراج معادن طلا امریکا و اثر آن در تنزل قیمت طلا در بازار انگلیس را شامل می‌شد. روشن است که چنین بحث‌هایی به ویژه در خصوص نحوه اداره جوامع اروپایی، بحث‌هایی بود که می‌توانست تأثیراتی قابل توجه در شیوه‌نگاه به جوامع گوناگون و مقایسه آن با جامعه آن روز ایرانی بر جای گذارد، اما کار ناکرده روزنامه‌های داخلی را روزنامه‌هایی که به دلیل استبداد ناصری در کشور اجازه چاپ نداشتند و در خارج به چاپ می‌رسیدند، به انجام می‌رساندند. «قانون»، «جبل‌المعین»، «اختر»، «فرا» و «پورش» از جمله این روزنامه‌ها محسوب می‌شدند. این روزنامه‌ها مطالب خود را آشکارا می‌نوشتند و به‌طور مستقیم با مردم در تباط برقرار می‌کردند و رسالت و پیام آنها منعکس کردن فساد از طریق اخباری که از آن سوی آب‌ها می‌رسید، بی‌ایندگی دیگری همچون تأسیس مراکز تخصصی و تدریس و کار، ظهور لایه‌های اجتماعی با عنوان روشنفکران و همچنین نمو مؤسسات تمدنی فرهنگی همچون روزنامه داشت که تأثیراتی گسترده را بر جامعه ایرانی و نظم مستقر بر جای می‌گذاشت. اگر چه تأسیس مدارس اروپایی یا مدارس به سبک اروپاییان در دوره محمدشاه آغاز گردید و کشیشان آمریکایی

آنچه را که از شرایط زمانی و مکانی و حرکت‌ها و تحولات شاهد بودیم، آرام آرام زاینده لایه‌ای اجتماعی شد که از یکسو خود برخاسته از تحولات بود و از سوی دیگر خواستار تحولاتی بود. این لایه اجتماعی، یعنی روشنفکران در چند ویژگی قابل توجه یکدیگر مشترک بودند. نخست آن که اغلب در بخشی از زندگی خویش با دنیای پیشرفته در تماس بودند و از آنچه در دیگر سوی آب‌ها می‌گذشت، اطلاع داشتند. دوم آن که از شرایط موجود کشور ناراضی بودند و وجود حکومت استبدادی رادر کنار دیگر عوامل موجود، بسیار بهای می‌دادند. سوم آن که در مقام قیاس میان وضعیت موجود مطلوب، به شکافی عمیق می‌رسیدند که جز با دگرگونی‌های بنیادین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، التیام نمی‌یافت و بدین ترتیب اصلاح‌گری از ویژگی‌های بارآن به حساب می‌آمد. اگر چه لایه اجتماعی روشنفکران از بسیاری جهات به یکدیگر شبیه بودند، اما در برخی موارد با یکدیگر اختلافاتی نیز داشتند و همین مسئله موجب

عده‌ای از روحانیون و تجار تهران پس از تصرف بناقلیندگی کمپانریزای در قیام تبریز ۱۳۰۴

دوشنبه ۸ مهر ۱۳۹۸ | اول صفر ۱۴۴۱ |

دانش را با نشناخت. دانش را با

دردمندی در آمیخت، دین‌پروری را با ژرف‌نگری توأم ساخت، علم را با نکتہ‌بینی و نقدنگری آموخت و در نقدورزی از اخلاق و ادب فر‌های فرو نگذاشت. خدمت به مردم را بر آسایش خویش برگزید و در همه طوفان‌های سهمگین روزگار که صخره‌های بزرگی را به پرنگاه کشاند، او آرام و استوار راه خویش را ادامه داد و به دیگران درس شکیبایی و شرافت آموخت. آری، اینها و جز اینها که در این ارج‌نامه تنها به گوشه‌شاهی از آن اشاره رفته است، از او شخصیتی ساخته که برای هر راه‌جوی جوان، سرمشقی نیکو و برای هر راهروی راستین، عبرتی در خور و بهر هر دانشمند و دیندار، حجتی استوار است. در پیغ که روزگار پر غوغای ما چنان فریبنده و فراموشگر است که قدر گوهرهای تازه خویش را نمی‌شناسد و به جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنده و پویا، داستان دیوانستان خویش را به حافظه تاریخ می‌سپارد.

این ارج‌نامه و بر نامه بزرگداشت آیت‌الله سیدان با اشارتی از سوی استاد دانشمند و فرزانه جناب محمدرضا حکیمی آغاز و گام‌های نخستین آن به همت مؤسسه امام صادق(ع) میدید بی‌ریزی شد. با استقبال دور از انتظار فرهیختگان و پژوهشگران از این اقدام مبارک و نیز ستریگی و حجم فزون کار، عملاً دبیر‌خانه به مؤسسه معارف اهل بیت(ع) در قم منتقل شد. جز تدوین مجموعه مقالات حاضر، چند پروژه هم‌زمان در دستور کار قرار گرفت؛ تهیه یادنامه‌ای از حیات و اندیشه‌های استاد سیدان، تولید یک برنامه مستند تصویری از خاطرات ایشان و گزارش‌های دیگران و نیز تولید یک سلسله برنامه گفت‌ووی علمی و معرفتی. البته با فراهم آمدن همه این مقامات هنوز هم جناب استاد سیدان با برگزاری بزرگداشت مخالفت می‌ورزند و بزرگوارانه از گفت‌وگو در این خصوص سر باز می‌زنند. گذشته از اساتید و محققان ارجمندی که این ارج‌نامه را با نگاهشاه خویش زینت بخشیدند، جا دارد سیاستگران استاد علامه حکیمی باشیم که با ارانه این ایده و راهنمایی‌های خود، اسباب تولید این اثر را فراهم ساختند.»



می‌شد تا آنان روی یک طیف قرار گیرند و براساس نقاط محورین اندیشه خویش در دو سویه این طیف، پراکنده شوند.

در یک سوی این طیف، نواندیشانی بودند که به شدت تحت تأثیر غرب قرار داشتند. این مجموعه، دنیای غرب را دیده و از نظم و انتظامات آن مطلع بودند. آزادی را می‌ستودند و استبداد شاهی را مهم‌ترین عامل بازداشت ایران از پیشرفت تلقی می‌کردند ولی در کنار این اعتقادات که میان اندیشه‌های آنان با اندیشه‌های گروه دیگری از روشنفکران مشترک بود، مذهب و سنت را با نگاهی خاص می‌نگریستند و آن را نیز در کنار استبداد شاهی، عاملی برای ممانعت از جلو رفت جامعه می‌پنداشتند و برای فائق آمدن بر آن راه‌حلی را که دنیای غرب از موده بود، یعنی سکولاریسم را پیشنهاد می‌دادند و دین را نه راهی برای حل مسائل اجتماعی که روشی در زندگی فردی قلمداد می‌نمودند. از این رهگذر، اندیشه‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله یکی از شاخص‌ترین تفکراتی است که در این سوی طیف روشنفکری ایرانی جای می‌گیرد. او که از دوره کودکی و جوانی با دنیای غرب آشنا بود و دوره‌هایی از حیات خویش را در سرزمین‌های دیگر زیسته بود، در زندگی حرفه‌ای خود نیز فرصت‌هایی چند یافت تا موخته‌های خویش را به مرحله اجرا در آورد. پیروی او از لیبرالیسم وی را بدین سوی می‌کشاند تا بر دو نکته اساسی، یعنی شناخت حقوق فردی با منشأ حق طبیعی و اعتقاد به ضرورت تدوین قوانین برای حفظ افراد و اداره جامعه تأکید ورزد.

او بر این باور بود که وجود قوانین عرفی و سکولار به برخی لایه‌های اجتماعی این امکان را می‌دهد بر مبنای سنت‌های محلی و مقتضیات تصمیم‌گیرندگان، قانون، فقط مبتنی بر شریعت نباشد. اگر چه ملکم‌خان انتشار روزنامه «قانون» را با استمداد از مفاهیم اسلامی آغاز کرد، اما هدف او به گفته «اوری» عرفی کردن کامل یا تقریبی قانون بود. از رهگذر آنچه بیان گردید، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده نیز در همین سوی طیف یاد شده قرار می‌گیرد. او به عنوان نقاد دین و سیاست به تفکیک شطاعت این دو از یکدیگر اعتقاد داشت و خود را دشمن استبداد و هر گونه کمرانی فردی می‌پنداشت. با نگارش رساله مکتوبات کمال‌الدوله به انتقاد از سیاست و دیانت می‌پردازد و در پی ایجاد تفکری ملی و اصلاح و ترقی جامعه است. او بر این باور بود که اصلاح دینی از راه «پروتستانتیسم اسلامی» تحقق خواهد یافت و سیاست و دین از یکدیگر باید تفکیک گردند و دین تعرضی در امور دنیایی نداشته باشد.

■ **تقابل اصلاح‌گری دینی با حاملان اندیشه‌های ترجمه‌ای**
اما در سوی دیگر این طیف، گروهی دیگر از نواندیشانی و اصلاح‌گران قرار داشتند که ضمن مخالفت با استبداد داخلی و استعمار خارجی، راه‌حل را نه در تبعیت از قوانین و قواعد غربی که در نوعی بازگشت به سنت اصیل دینی می‌دیدند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی از جمله افرادی است که در این گروه جای می‌گیرد. او از جمله مخالفان حکومت بود که اصلاح‌گری رادر صدر خواسته‌های خود قرار می‌داد. نقطه اولی‌همه سیدجمال، پادشاه کشور و نقطه محورین پاسخ و به تبعیت شرایط موجود، لزوم بازگشت به اصول اولیه دینی بود.

اما این دو نگاه به و رغم تفاوت‌هایی که بنیادین نیز به نظر می‌رسد، روی یک طیف قرار داشت و هر دو این بساوار را پذیرفته بودند که بسرای ماندن در دنیای حاضر، باید به جلو حرکت کرد و موانع این حرکت را که در درجه اول، استبداد داخلی است از میان برداشت، اما اینکه شیوه این مقابله، چه باید باشد، بی‌شک به اصولی که غربی‌ها آن را مبنای اندیشه و عمل خویش قرار داده بودند یا شیوه‌توسل به اصول اولیه و به اجرا درنیانده سنت اسلامی، اختلافی بود که راه آنها را از یکدیگر جدا می‌کرد. با این‌همه این لایه‌ای اندیشه‌ای به دلیل برخورداری از ابزارهایی قدرتمند مانند اندیشه‌هایی نو و گیرا، کلامی دارای نفوذ و منابعی پرستیزآور و شیخ‌صیت‌زاز جمله تحصیل دانش و اقامت در دنیای پیشرفته، تأثیرات فراوانی را بر جمعیت کشور می‌گذاشت و در سنت کردن بنیادهای نظم مستقر و سامان کهن، نقشی قابل توجه را بازی کرد ولی آنچه آخرین میخ را تا تابوت نظم کهن کوبید، حادثه‌ای بود که در ۱۷ ذی‌القعده ۱۲۱۳ افتاد.

ناصرالدین شاه، سرمست از سال‌های حکومت بر ایران در حالی که از بی‌چشن نیم سده پادشاهی موفقیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر، نابرابری وی بی‌عدالتی آمیخته‌شد، مردم این سرزمین در پی سال‌ها فشار و تحقیر، در پنج دهه دوره ناصری که در آن نابرابری، بی‌منزلی از نگاه کامسان و توزیع یکسویه تمامی منابع قدرت، ثروت و موقعیت رشدی عجیب یافته بود، به شرایطی رسیدند که در آن ظرفیت نابهنجاری اجتماعی به بالاترین حدود خود نزدیک می‌شد. حوادثی هم مانند نهضت تنباکو با امتیازهایی که به خارجیان داده می‌شد، شاید نخستین جایگاه تجمع و ظهور نارضایتی‌هایی بود که آرام آرام به سوی نوعی انومی حرکت می‌کرد. زمانی که این موقعیت نارضایتی با دیگر موقعیت‌های نارضایتی ناشی از فقر